



**برنامه  
و  
اساسنامه**

سازمان انقلابی افغانستان

---

سازمان انقلابی افغانستان که بخشی از جنبش چپ افغانستان به حساب می آید، دومین کنگره خود را در شرایطی برگزار نمود که 11 سال از اشغال کشور ما توسط امپریالیست های خونخوار به سردمداری ایالات متحده آمریکا می گذرد؛ استعمارگران در صدد ایجاد پایگاه های دائمی در کشور ما هستند؛ کشورهای همسایه نقش مداخله گرانه شان را تقویت نموده و توده های تهیدست ما در قتل، کشتار، شکنجه، اسارت، فقر و گرسنگی، بیماری، بیکاری، توهین و تحقیر، فساد و اختطاف و تفاوت عمیق طبقاتی، شدت استعمار را بیش از پیش احساس می کنند.

ما دومین کنگره خود را در حالی برگزار نمودیم که رفیق پاغر رهبر و مؤسس سازمان در میان ما نیست. زنده یاد پاغر که با تلاش خستگی ناپذیر از ایجاد «گروه پیشگام افغانستان» تا آخرین روزهای حیاتش بی وقفه برای استحکام سازمان کار کرد، مسوولیت رهبری را در حالی به دست گرفت که جنبش ما در تشتت و سردرگمی مزمین و سرخوردگی و کسالت به سر می برد. او با کار تیوریک و سیاسی جنبش ما را تکان مجدد داد، زیرا اینک می بینیم که سازمان ها، گروه ها و حتی افراد به نحوی از انحاء دوباره به توفان مبارزه پهلو می زنند و چپ ما مجدداً در آستانه تحریک نسبی قرار گرفته است.

رهبری سازمان انقلابی افغانستان بعد از درگذشت رفیق پاغر، نشست اضطراری مرکزیت را فرا خواند تا کشتی سازمان را که او ناخدایش بود، در میان امواج توفان به سوی ساحل نجات هدایت کند. تمام اعضای سازمان بی هیچ تردیدی با تعهد مجدد به کار و پیکار ادامه دادند و ارثیه رفیق پاغر را چون مردمک چشم از دسایس و توطئه های مختلف اپورتونیست ها حفظ نمودند. این نمونه عالی سازماندهی رفیق پاغر و باور او را به تشکیلات مستحکم نشان می دهد، زیرا ما در تاریخ جنبش چپ شاهد بوده ایم که با از دست دادن مسوول اجرایی، سازمان ها دچار انشعابات، بریدن ها، یأس و نومیدی ها شده، کلیت کار تشکیلاتی زیر سایه اتهامات قرار گرفته و انحراف زننده حتی سازمان ها را تا مرز تسلیم طلبی و ورشکستگی کشانده است.

جنبش چپ افغانستان از آوان ایجادش در 1344 هجری خورشیدی تا سال 1357 مسیر پر پیچ و خمی را پیمود و دچار انشعابات و تحولاتی گردید. این جنبش بعد از کودتای هفت ثور، جنگ مسلحانه و بعد هجوم فاشیسم مذهبی به کشور، ضربات سنگینی را بر پیکرش متحمل گشت و شهدای بسیاری را تقدیم راه پرافتخار آزادی نمود. اشغال افغانستان در اواخر دهه هفتاد میلادی زیر نام به اصطلاح سوسیالیسم و کمونیزم، ضربه ای دردناک بر بدنه اندیشه چپ وارد نمود و این باعث شد تا توده ها را هرچه بیشتر از این جنبش فاصله دهد، توده هایی که فقط این اندیشه می تواند آنان را از زیر یوغ استثمار، فقر، تجاوز و بدبختی نجات دهد. جبران این خیانت به طبقه کارگر و کمونیزم، سال های طولانی را خواهد طلبید. از سوی دیگر صدها مبارز پاکباز و انقلابی توسط سوسیال امپریالیسم شوروی و عمال دست نشانده اش یا در سیاهچال ها جاودانه شدند و یا در سنگرهای داغ مبارزه، جان های عزیز شان را فدا کردند و خون ده ها انقلابی دیگر بدست قصابان مذهبی در کشورهای همسایه ریخته شد. خون های ریخته شده این عزیزان، بذر انقلاب را آبیاری و آتش افروخته شده از آن چون مشعل فروزانی راه رهایی زحمتکشان را روشن نموده و آنان را به ادامه راه این جانباختگان فرا می خواند. تکه و پاره شدن افغانستان توسط فاشیست های مذهبی (جهادی و طالبی) بعد از خروج روسها، عرصه را بر فعالیت جنبش چپ تنگتر نمود، صدها شعله ای به غرب پناهنده شدند و از کار و پیکار دست کشیدند، سازمان های فعال به عملگرایی «دموکراتیک» رو آوردند، اعتماد و باور بر یکدیگر تا حدی صدمه دید و در مجموع چپ در مرز کسالت قرار گرفت، عواملی که مبارزه برای ایجاد حزب طبقه کارگر را با دشواری های بیشتری همراه کرد.

یازدهم سپتامبر 2001 نقطه عطف تجاوز آمریکا به کشور ما بود؛ خواب دیرینه ایکه از سال ها آن را می دید و برای عملی کردن اش لحظه شماری می کرد. افغانستان در حال حاضر یکی از نقاط بسیار مهم ستراتیژیک در سیاست های ایالات متحده آمریکا و

متحدانش به شمار می رود. هر کدام از این کشورها می خواهند به نحوی در افغانستان دخیل و از نمد آن کلاهی برای خود بسازند که درین میان نقش امپریالیزم امریکا تعیین کننده می باشد. حضور نزدیک به 80 هزار سرباز ایالات متحده امریکا و بیش از 30 هزار سرباز ناتو به خودی خود گواه مهم بودن افغانستان برای دولت امریکا و متحدانش است. هر چند بسیاری از این کشورها بدون اجازه امریکا به طور مستقلانه در قضایای افغانستان عمل کرده نمی توانند، اما تلاش می نمایند که جواسیس و استخباراتی های خود را به خاطر تأمین هر چه بیشتر منافع خاص شان، دست و پا کنند.

تدویر کنفرانس های استعماری، لویه جرگه های خاینانه و طغفروشی، تصویب قانون اساسی، انتخابات های نمایشی ریاست جمهوری، پارلمانی و مفاهیمی چون حقوق بشر، عدالت انتقالی، دموکراسی، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، برابری حقوق زن و مرد، ایجاد ده ها حزب و نهاد مدنی، بازار آزاد، ساختن شورای علماء، ایجاد شورای عالی صلح و غیره در پناه هزاران سرباز امریکایی و ناتو و در میان قتل و کشتار خلق ما، از مفاهیم و پدیده هایی اند که جز خدمت به منافع امریکا و کشورهای امپریالیستی دیگر، کاری انجام نمی دهند. امپریالیست ها در حالی این مفاهیم را با فندهای میلیون دلری تطبیق می کنند که «چپ»ها نه تنها ذوقفده آن شده اند، بلکه با فرق سر به درگاه امپریالیست ها می دوند تا در این رقابت از خاینان عقب نمانده و پیشی بگیرند.

همانطوری که پیشینی کرده بودیم، اشغال افغانستان به وسیله امریکا و متحدان ناتویی آن، به تشدید رقابت میان امپریالیست ها خواهد انجامید و این کشور ما خواهد بود که بار دیگر قربانی رقابت های امپریالیستی خواهد شد، اینک به وضوح می بینیم که امپریالیست های روسی و چینی نسبت به گذشته بیشتر به افغانستان علاقمند شده، پای کشور ما را به سازمان شانگهای نیز کشانده اند. روسیه با ایجاد هر نوع پایگاه امریکا در افغانستان مخالف است، به همین خاطر کارش را بر طرح منظوقوی حل قضیه افغانستان آغاز نموده، و چین نیز وارد رقابت قاپیدن منابع زیرزمینی افغانستان شده است.

در شرایطی که کشور ما توسط نیروهای ایالات متحده امریکا و هم پیمانان متحدش اشغال شده است، سازمان انقلابی افغانستان راهی جز مبارزه با آن نداشته و این مبارزه که از معبر مبارزه ملی - دموکراتیک باید به سوسیالیزم راه بزند، ممکن نیست تا تشکیلات قوی، مستحکم و استوار بر ایدیولوژی مارکسیستی نداشته باشد. لذا ضمن ایجاد چنین تشکیلاتی که در پروسه دوامدار پراتیک انقلابی به وجود خواهد آمد، در متشکل نمودن افراد پراکنده در جنبش، سازماندهی توده ها و وحدت اصولی با سازمان ها و گروه های چپ انقلابی لحظه ای درنگ نمی کنیم؛ با وجودی که می دانیم مبارزه در شرایط کنونی دشوارتر از هر زمان دیگر است، زیرا از یک طرف حضور امپریالیزم امریکا و بیش از 40 کشور جهان در افغانستان با شعارهای «دموکراسی» و «حقوق بشر» و با هزاران جاسوس و استخباراتی و ایدئولوگ و کارشناس، که در صورت احساس خطر به شکار انقلابیون خواهند پرداخت و از سوی دیگر حاکم بودن نیروهای مذهبی در هر گوشه و کنار کشور که اولین دشمنان شان را نیروها و افراد وابسته به جنبش چپ انقلابی می دانند و به حق می گویند که شعله ای ها از همه خطرناکتر اند، بر دشواری کار و مبارزه ما می افزاید؛ در همین حال تسلیم طلبی «چپ»های «انقلابی»، تهمت زدن، خیالپردازی، شکوه و گلایه از امپریالیست ها، انجوبازی، پول محوری، مخدوش ساختن عمل انقلابی و غیر انقلابی، رفورمیزم، یأس و نومیدی تعدادی از شعله ای ها و تشتت تیوریک و سیاسی، کار و مبارزه سازمان ما را دشوار می سازد.

سازمان انقلابی افغانستان با مطالعه دقیق و تحلیل مشخص از اوضاع کنونی، در کنار مبارزه مخفی و زیرزمینی تا حد امکان از شرایط علنی برای گسترش شبکه های سازمانی و تشکیلاتی اش و پیوند ارگانیک با توده ها سود خواهد برد. سازمان انقلابی افغانستان تلاش خواهد ورزید تا در کنار توده های محروم و تهیدست برای ایجاد جامعه دموکراتیک نوین و سوسیالیزم به پیش گام بردارد و درین راه از اهدای خون اعضایش به پای نهال انقلاب دریغ نوزد. ما باور راسخ داریم که پیروزی از آن ماست.

در شرایطی که امپریالیست ها در جشن و پایکوبی «مرگ» کمونیزم، قهقهه شادی سر می دهند، در شرایطی که به گمان خود آخرین میخ را بر تابوت کمونیزم کوبیده و ایدئولوگ های آن «پایان تاریخ» را اعلام می دارند؛ پیکار و مبارزه انقلابیون در سراسر جهان برای نجات از استعمار، استثمار و نا برابری، این قهقهه را در حلقوم شان می خشکانند.

سازمان انقلابی افغانستان با تصویب تعدیلات این برنامه و اساسنامه در دومین کنگره، معتقد است که این اسناد عاری از اشتباه و کمبود نخواهد بود و نقاط ضعف آنها زمانی برطرف شده می تواند که در عمل با انتقادات سالم و پیشنهادات ارزنده اعضا و هوادارانش روبرو شود. انگشت گذاردن از سوی اعضا و هواداران بر اشتباهات و کمبودهای این برنامه و اساسنامه از سوی سازمان انقلابی افغانستان مورد استقبال قرار خواهد گرفت و در اسرع وقت به تصحیح آن ها خواهد پرداخت.

**مرگ بر امپریالیزم  
در راه سوسیالیزم، به پیش!**

25 عقرب 1391

## برنامه سازمان انقلابی افغانستان

**ماده اول:** سازمان انقلابی افغانستان معتقد به م. ل. ا بوده که با تحلیل مشخص از اوضاع برای تحقق کمونیزم، در افغانستان فعالیت نموده و با دفاع از منافع زحمتکشان تهدیدست در راه کسب قدرت سیاسی، ایجاد جامعه دموکراتیک نوین و گذار به سوسیالیسم و کمونیزم تلاش می ورزد و درین راه کوچکترین تبانی با دشمنان طبقاتی پرولتاریا را خیانت به ایدیولوژی طبقه کارگر می داند، زیرا ما پیشاهنگ سیاسی طبقه کارگر هستیم و صیانت از منافع طبقاتی آن، اُس و بنیاد مبارزه ما را می سازد.

**ماده دوم:** سازمان انقلابی افغانستان معتقد است که افغانستان کشور مستعمره - نیمه فیودالی است. از یک طرف بعد از 11 سپتامبر نیروهای امپریالیستی به رهبری ایالات متحده آمریکا به خاک ما تجاوز کردند و کشور ما اشغال و مستعمره شد، از سوی دیگر با زندگی حدود هفتاد درصد مردم در دهات با تولید زراعی، ابزار تولید غیر ماشینی و بهره مالکانه، بخش عمده تولید ما فیودالی بوده، در دهات رابطه ارباب رعیتی حاکم می باشد. به این صورت دو تولید بورژوایی و فیودالی شاخص های اصلی سیمای جامعه ما می باشند. از جایی که تولید اصلی بورژوایی در چنگ سرمایه داران دلال و وابسته به امپریالیسم قرار دارد، لذا با این دو مشخصه افغانستان کشور مستعمره - نیمه فیودالی می باشد.

**ماده سوم:** مرحله انقلاب ما، انقلاب ملی - دموکراتیک است که با دو وظیفه ملی (بیرون راندن اشغالگران) و دموکراتیک (سرنگونی فیودالیسم) تکمیل می گردد. این دو وظیفه (با اینکه جنبه ملی آن ارجحیت دارد) جدا ناپذیر بوده، در یک مرحله به اجراء در می آید. در کشورهای مستعمره - نیمه فیودالی مثل افغانستان، انقلاب دموکراتیک نوین یگانه راه رسیدن به سوسیالیسم و گذار به کمونیزم می باشد که در شرایط کنونی وظیفه اصلی سازمان ما را می سازد.

**ماده چهارم:** در انقلاب دموکراتیک نوین، پرولتاریا نیروی رهبری کننده است که با متشکل نمودن دهقانان (به عنوان نیروی عمده) و خرد بورژوازی؛ با گسترش نیروی خودی، جلب نیروی بینایی (بورژوازی ملی) و تجرید دشمن به اعلی درجه، راه پیروزی انقلاب را هموار می سازد.

**ماده پنجم:** طبقه کارگر در کشور ما بیش از یک صد سال قبل نطفه بست که با تولید اکثراً دولتی در شرایط ناگواری استثمار می شد. این طبقه که در بخش کارخانه های تولیدی، معادن، صنایع دستی و بخش تجاری مصروف کار بود، در زمان های مختلف دست به اعتراضات و تظاهرات زده، نشان داد که طبقه پیشرو می باشد. این طبقه در جریان تجاوز شوروی و درگیری های تنظیمی و طالبی تلفات بسیاری متحمل گشت. در حال حاضر بسیاری از افراد این طبقه در ایران و پاکستان با بدترین شکل استثمار می شوند. در داخل کشور حدود 400 هزار کارگر به کار مصروف بوده، دولت پوشالی و حامیان امپریالیستی آن کوچکترین برنامه ای برای بهبود زندگی طبقه کارگر ندارند، زیرا سرشت سرمایه داری با استثمار کارگران عجین شده است. با سرمایه گذاری های امپریالیستی در کشور ما و توسعه تولید و تجارت و خدمات، این طبقه روز تا روز از کمیت و آگاهی بیشتری برخوردار خواهد گردید و بالاخره نقش اش را به عنوان رهبر انقلاب اداء خواهد کرد، زیرا این طبقه در انقلاب جز زنجیرهای دستش چیزی از دست نمی دهد.

طبقه کارگر شامل اقشار صنعتی، زراعی، خدماتی، اریستوکرات و لومپن پرولتاریا می باشد. لومپن پرولتاریا به علت بیکاری مفرط، قشر وسیعی را در کشور ما می سازد. بقایای بیکاران جنگ 34 ساله که اکنون با طرق غیر مشروع زندگی دارند، جزء این قشر بوده، آماده هر نوع خدمتگذاری به امپریالیست ها می باشند. سازمان ما در رابطه با این قشر باید دقیق و هوشیار باشد و افراد آن را بعد از تجدید تربیت کامل به صفوفش بپذیرد.

**ماده ششم:** افغانستان کشور زراعی است که اکثر باشندگان آن را دهقانان تشکیل می دهد. این دهقانان قرن ها تحت ستم فیودالان و ملاکان ارضی قرار داشته، در زندگی گاهی طعم خوشبختی را نچشیده اند. این طبقه در بیش از سه دهه گذشته (اشغال شوروی سابق، حاکمیت جهادیان و طالبان و اشغال کنونی) بیشترین قربانی را متحمل گردیده است. دهقانان متحدین اصلی پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک نوین بوده، بدون اتحاد پرولتاریا با دهقانان، پیروزی بر دشمنان انقلاب ناممکن می باشد، لذا بسیج و آگاهی دادن به دهقانان از وظایف اصلی سازمان ما است. پرولتاریا با به سر رساندن انقلاب دموکراتیک نوین و انجام انقلاب ارضی و تأمین رفاه دهقانان، به ستم های تاریخی بر این طبقه خاتمه می بخشد.

**ماده هفتم:** در کنار دهقانان، خرده بورژوازی که شامل روشنفکران، هنرمندان، نویسندگان، داکتران، اهل کسبه، مامورین پایین رتبه، دکانداران، پیشه وران و افرادی با شغل های آزاد می باشند، در انقلاب دموکراتیک نوین متحد پرولتاریا بوده، اقشار میانه و تهیدست آن بیشتر و زودتر در انقلاب سهم می گیرند و از متحدان نزدیک پرولتاریا محسوب می شوند. در شرایط کنونی دانشمندان، مهندسین، تخیگران، استادان، معلمان، نویسندگان، هنرمندان، داکتران، مامورین و خبرنگاران با در نظر داشت این که نیروی خود را به فروش می رسانند یا نه، در قطار پرولتاریا یا خرده بورژوازی به حساب می روند.

روشنفکران در برابر حوادث سیاسی حساس بوده، اما با ضعف های زیادی که دارند، بار مشکلات انقلاب را تحمل نکرده، بسیاری از آنان تا زمانی که در تیوری و پراتیک انقلابی آبدیده نشوند و اخلاقیات پرولتری را در عمل کسب نکنند، در نیمه راه، انقلاب را ترک خواهند کرد. احزاب و سازمان های کمونیستی در ابتدای تشکیل، صفوف خود را از روشنفکران پر می سازند، اما در جریان پراتیک انقلابی از یک طرف با بریدن روشنفکران از افکار خرده بورژوایی و از سوی دیگر با وارد کردن پیشروان طبقه کارگر، صفوف حزب از روشنفکران خرده بورژوا منزه می گردد.

**ماده هشتم:** بورژوازی ملی در شرایط کنونی فوق العاده ضعیف بوده، با هجوم کمپنی های امپریالیستی و بورژوازی کمپرادور در وضعیت ناهنجاری قرار دارد و هر روز خبر ورشکستگی کارخانه های این طبقه، از شهرک های صنعتی هرات، کابل و جلال آباد به گوش می رسد. این طبقه تا حال چندین اتحادیه صنعتی را تأسیس نموده که ظاهراً از حقوق شان در برابر سرمایه های خارجی دفاع می کنند. تولید کوچک که برای کمپنی های سرمایه داری قرین به صرفه نیست، به این طبقه واگذار گردیده است که از این طریق مصروف استثمار کارگران می باشد. بورژوازی ملی طبقه بینایی است و آماده همکاری با امپریالیزم می باشد، اما وقتی به علت ضعف سرمایه مورد توجه و الطاف این کمپنی ها قرار نمی گیرد و در مرز ورشکستگی قرار می گیرد، با نیروهای ضد امپریالیستی متحد می گردد. این طبقه در جریان انقلاب نیز می تواند با سرمایه داری دلال تانی کند و به انقلاب پشت نماید، لذا انقلابیون باید در اتحاد با این طبقه هوشیار و حساس باشند، رهبری را هرگز به آن نسپارند و سیاست وحدت - مبارزه را با آن جدأ رعایت کنند.

پرولتاریا جهت استفاده از تضاد بین بورژوازی ملی و امپریالیزم و تجرید دشمن به اعلی درجه با بورژوازی ملی متحد می شود، اما فعالیت های انقلابیون و به راه انداختن انقلاب دموکراتیک نوین به هیچوجه موکول به ساختن چنین اتحاد و جبهه ای نمی گردد.

**ماده نهم:** ملاکان ارضی که از طریق کسب بهره مالکانه دهقانان را استثمار می کنند، پایگاه امپریالیزم را در دهات می سازند. پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین با انقلاب ارضی و مصادره املاک ملاکان تکمیل می گردد. با این که در جریان بیش از سه دهه جنگ، ملاکان ارضی ضربه خورده، موقعیت گذشته شان را ندارند، اما ملاکان تازه به دوران رسیده که از درون جریانات تنظیمی سر

بر آورده اند، با گروه های مسلح و بعضاً حزب و سازمان به بدترین وجهی دهقانان را استثمار کرده، مورد بهره برداری های سیاسی قرار می دهند. این طبقه صاحب زمین و ابزار تولید بوده، آماده خدمت به امپریالیست ها می باشد، لذا در انقلاب دموکراتیک نوین یکجا با امپریالیزم سرنگون می شود.

**ماده دهم:** بورژوازی کمپرادور پایگاه اصلی امپریالیزم در کشور ماست. این طبقه در خدمت کمپنی های امپریالیستی قرار دارد، لذا امپریالیست های امریکایی و اروپایی با تمام قوا تلاش دارند تا این طبقه را تقویت نمایند و از طریق آن نه تنها سرمایه های شان را به کار بیاندازند بلکه در آینده آن را به گرداننده اصلی قدرت سیاسی در کشور مبدل گردانند. این طبقه همین حالا در بخش های بسیاری سرمایه های امپریالیستی را به کار انداخته است، مخصوصاً در بخش های مخابراتی، معادن، بانکداری، صنایع، ساختمانی و تجارت چون سگ پاسبان منافع امپریالیزم عمل می کند. این طبقه در انقلاب دموکراتیک نوین یکجا با امپریالیزم سرنگون می گردد و تمام دارایی های آن ملی اعلام می شود.

**ماده یازدهم:** سازمان ما با اعتقاد به م. ل. ا دو برنامه (حداقل و حداکثر) دارد. برنامه حداقل آن به سر رساندن انقلاب دموکراتیک نوین و برنامه حداکثر آن را انجام انقلاب سوسیالیستی، استقرار سوسیالیزم و گذار به کمونیزم تشکیل می دهد.

**ماده دوازدهم:** سازمان ما معتقد است که جهت به فرجام رساندن انقلاب دموکراتیک نوین به سه سلاح انقلاب ضرورت است. تشکیل حزب، ارتش و جبهه متحد ملی ابزارهایی اند که جهت براندازی امپریالیزم و دولت دست نشانده آن ضروری بوده، بدون چنین ابزارهایی ممکن نیست سازمان ما نبرد مسلحانه و راه محاصره شهرها از طریق دهات و سرنگونی امپریالیزم و دولت پوشالی آن را به فرجام برساند.

**ماده سیزدهم:** تلاش در جهت تأسیس حزب واقعی طبقه کارگر از وظایف اصلی و مرکزی سازمان ماست، زیرا بدون ساختن چنین حزبی، هیچ سازمانی قادر به رهبری پرولتاریا و زحمتکشان تا رسیدن به جامعه سوسیالیستی نمی شود. به این خاطر، لنین پیشوای کبیر پرولتاریای جهان گفته است: «پرولتاریا در پیکار برای احراز قدرت سلاحی جز سازمان ندارد». حزب طبقه کارگر افغانستان در جریان کار عملی و مبارزه ایدیولوژیک در داخل کشور و از وحدت مارکسیست - لنینیست های مائوتسه دون اندیشه به میان می آید که سازمان انقلابی افغانستان نخستین گام های عملی را در این زمینه برداشته و در این مسیر به پیش خواهد رفت.

سازمان ما دست هر نهاد، حزب و فردی را که برای مارکسیزم - لنینیزم - اندیشه مائوتسه دون کار می کند به گرمی فشرده، معتقد به وحدت اصولی بوده، در راه تحقق آن می کوشد و درین راه اصول فروشی نمی کند. سازمان ما نیاندیشیدن به وحدت اصولی را خیانت به مارکسیزم - لنینیزم - اندیشه مائوتسه دون می داند، اما سازش و انعطاف انقلابی را به هیچ وجه رد نمی کند.

**ماده چهاردهم:** تشکیل جبهه متحد ملی یکی از ابزارهای دیگر انقلاب دموکراتیک نوین است. تشکیل این جبهه چیزی جز اتحاد پرولتاریا با بورژوازی ملی نیست. این جبهه که شکل و فورم خاصی ندارد، عبارت از یک نوع همسویی میان پرولتاریا و بورژوازی ملی جهت برانداختن دشمن مشترک می باشد. پرولتاریا درین جبهه با بورژوازی ملی سیاست وحدت - مبارزه را در پیش می گیرد، چون نقش دوگانه آن را می داند.



**ماده پانزدهم:** سازمان ما شرکت در انتخابات هایی را که در زیر سایه اشغالگران صورت می گیرد، جز تثبیت موقعیت اشغالگران و دولت پوشالی چیزی ندانسته، آن را مردود و ضد انقلابی می داند. انتخابات های نمایشی ریاست جمهوری و پارلمانی یک دهه گذشته نشان داد که امپریالیزم چگونه راه را برای ورود جنایتکاران و دشمنان طبقاتی زحمتکشان به کرسی های قدرت هموار می سازد و از «خوكدانی» چگونه برای تثبیت استعمار سود می برد.

**ماده شانزدهم:** سازمان با این که پنهانکاری را اصل اساسی سازمانی می داند و فعالیت های علنی را مجرای برای پیوند با توده ها و سرپوشی برای کار مخفی به حساب می آورد، به این باور است که مقولاتی چون جامعه مدنی، پلورالیزم، انجمن و دموکراسی لیبرالی در زیر چکمه های اشغال، کاربردی جز خدمت به امپریالیزم، ادامه استعمار و تفاوت های عمیق طبقاتی، اشاعه فقر، بیکاری، اعتیاد و تن فروشی نداشته، تیورسن های بورژوازی با این تبلیغ که گویا ترقی و تعالی جامعه در پرتو این مقولات میسر است، عمر اشغال و حاکمیت جنایتکاران جهادی و غیرجهادی را افزایش می دهند. در حالی که توده های ما زمانی به خوشبختی و تعالی می رسند که اشغال کشور ما به پایان برسد و رخت استعمار برچیده شود.

**ماده هفدهم:** دولت پوشالی که متشکل از ملاکان ارضی و بورژوازی وابسته به کمپنی های امپریالیستی است و تا مغز استخوان وابسته به امپریالیست ها، مخصوصاً امپریالیزم امریکا می باشد، در انقلاب دموکراتیک نوین یکجا با امپریالیزم سرنگون می گردد.

**ماده هجدهم:** طالبان که دیدگاه ایدیولوژیک فیودالی دارند و متشکل از ملاکان ارضی، خُرده بورژوازی دهات و دهقانان فریب خورده اند، جاهلترین نیروست که وابسته به استخبارات کشورهای مختلف مخصوصاً پاکستان می باشد. این نیرو که مخالف هر نوع ترقی و پیشرفت است، در خدمت امپریالیزم و مافیای مواد مخدر قرار دارد. طالبان گرچه در ظاهر علیه اشغالگران می جنگند، اما با سیاست های ماورای فاشیستی و ضد مردمی شان عملاً عمر اشغال را درازتر می سازند و به صورت غیر مستقیم در خدمت استراتژی های امپریالیستی در کشور ما قرار دارند. سازمان ما ضمن اینکه دشمن اصلی و عمده را هرگز فراموش نمی کند، اتحاد با این نیرو را ضد انقلابی دانسته، آن را دشمن خلق می شمارد.

**ماده نوزدهم:** حزب اسلامی گلبدین که از نیروهای ماورای فاشیستی به شمار می رود و دُم آن زیر پای استخبارات پاکستان قرار دارد، نیرویی به شدت ضد انقلابی بوده، شعله ای ها را اولین دشمنان شان می دانند. این حزب همواره در سازش با امپریالیست ها قرار داشته، با جنگیدن خود باج ستانی می کند. نیم این حزب (بخش سیاسی آن) در دولت پوشالی سهیم و نیم دیگر (بخش نظامی آن) ظاهراً علیه امریکایی ها و دولت پوشالی می جنگند. ما این نیرو را از دشمنان خلق و اتحاد با آن را ضد انقلابی می دانیم.

**ماده بیستم:** اپوزیسیون پوشالی که بخش عمده آن را جنایتکاران جهادی و غیر جهادی می سازد، جریان ضد مردمی است که تا فرق در وابستگی غرق بوده، جاده صاف کن نیروهای امپریالیستی در کشور ما به حساب می آید. این اپوزیسیون آماده هر نوع وطنفروشی بوده، با این که خود را اپوزیسیون دولت می نامد، اما بخشی از رأس تا بدنه دولت را می سازد. این نیرو که در آن بورژواهای وابسته، ملاکان ارضی نو به دوران رسیده و بخشی از خُرده بورژوازی مرفه شامل است، در شمار دشمنان خلق محسوب شده، اتحاد با آن همگامی با دشمنان خلق به حساب می آید.

**ماده بیست و یکم:** بقایای رهبری «حزب دموکراتیک خلق افغانستان» که در حال حاضر در خدمت امپریالیست های امریکایی و ناتویی قرار دارند و با شرکت در دولت پوشالی و احزاب رسمی، مدافع اشغالگران هستند و از جاسوسی و مزدوری به سوسیال امپریالیزم شوروی به امپریالیست های امریکایی و ناتویی استحاله نموده اند، از دشمنان خلق ما به شمار می روند، سازمان ما اتحاد با آنان را ضد انقلابی می داند.

**ماده بیست و دوم:** زنان که نیمی از پیکر جامعه ما را می سازند و زیر ستم چند لایه زندگی دارند، تا زمانی که به آگاهی طبقاتی نرسند، ممکن نیست از این همه ستم (ملی، طبقاتی و جنسیتی) رهایی یابند. این خود زنان هستند که با آگاهی از وضعیت اجتماعی شان زیر رهبری تشکل مارکسیستی می توانند به رهایی واقعی دست یابند.

سازمان ما کار میان زنان را از وظایف اصلی خود به حساب آورده، هر نوع برخورد ابزاری، برخورد فیودالی و ارتجاعی نسبت به زن را ضد مارکسیستی دانسته، معتقد است که بدون شرکت زنان هیچ انقلابی به پیروزی نمی رسد. استفاده کاسبکارانه از نام، نشرات و تشکلات زن را به شدت خاینانه و ضد انقلابی می دانیم.

**ماده بیست و سوم:** سازمان انقلابی افغانستان علیه هر نوع سنن عقب مانده، باورهای جاهلانه، عقب ماندگی های فرهنگی، مناسبات قبیله‌ای، قراردادهای فیودالی، اختلافات ستمی، زبانی و مخصوصاً باورهای زن ستیزانه با قاطعیت مبارزه می کند. حل این باورها و سنت ها را در درازمدت نه با برخورد میکائیکی بلکه علمی دینامیکی می داند. سازمان ما معتقد به جدایی دین از سیاست بوده، از سکیولاریزم دفاع می کند؛ دین را امر خصوصی دانسته، به این پدیده برخورد علمی داشته و از هر نوع برخورد راست روانه و چپ روانه درین مورد ابا می ورزد.

**ماده بیست و چهارم:** افغانستان کشور چند ملیتی است. مسئله ملیتی که یکی از ظریف ترین مسایل اجتماعی کشور ماست، با دو برخورد شئونیزم عظمت طلبانه طبقات حاکمه ملیت پشتون و ناسیونالیزم تنگ نظرانه طبقات حاکمه سایر ملیت ها خود را می نمایاند. سازمان ما وظیفه خود می داند که در کنار طبقات زحمتکش تمام ملیت ها علیه شئونیزم عظمت طلبانه و ناسیونالیزم تنگ نظرانه به مبارزه قاطع بپردازد. سازمان انقلابی افغانستان معتقد به خود ارادیت ملیت ها تا سرحد جدایی می باشد، اما نه زیر نظر امپریالیست ها و دولت های پوشالی و دشمنان خلق. حل اساسی این مسئله فقط با از میان رفتن طبقات، نابودی استثمار و برابری تمام انسان ها میسر می باشد.

**ماده بیست و پنجم:** سازمان انقلابی افغانستان دفاع از تمامی جنبش های آزادیبخش کمونیستی، ملی - مترقی و ضد امپریالیستی را وظیفه خود دانسته، تا حد توان به آنها یاری می رساند و متقابلاً از آنها چنین انتظاری دارد. سازمان در برخورد با تشکلات مارکسیستی با برابری و احترام متقابل برخورد کرده، هرگونه مداخله دیگران در امور داخلی خود را خلاف اصل انترناسیونالیزم پرولتری دانسته، خود را نیز ملزم به رعایت چنین اصلی می داند.

پایان

## اساسنامه سازمان انقلابي افغانستان

## فصل اول

### اصول تشکیلاتی

**ماده اول:** ساختار تشکیلاتی سازمان انقلابی افغانستان بر اصل سانترالیزم دموکراتیک به شکل ذیل استوار است:

تمام سازمان از انضباط واحدی پیروی می کند:

- فرد از تشکیلات

- اقلیت از اکثریت

- ارگان های پایین از ارگان های بالا

- تمام سازمان از کمیته مرکزی

- مسوول اجرایی از بیوروی سیاسی و بیوروی سیاسی از کمیته مرکزی

- کمیته مرکزی از کنگره سازمان

**ماده دوم:** رهبری جمعی و مسوولیت فردی در تمام بخش های سازمان رعایت می شود.

**ماده سوم:** اصل انتخابی بودن:

- مسوول اجرایی، بیوروی سیاسی، اعضای اصلی و علی البدل کمیته مرکزی سازمان انتخابی ولی سایر ارگان های سازمانی با در نظر داشت شرایط کنونی کشور ما و رعایت اصل پنهانکاری، انتخابی بوده نمی توانند و باید اصل لینی اعتماد درون تشکیلاتی را در مورد سایر ارگان ها رعایت کنیم.

- تصامیم ارگان های بالایی بر ارگان های پایینی مرعی الاجرا می باشد و الی که ارگان های پایین تصمیمی را موافق حال خود نینند، در آن صورت تصمیم را با توضیحاتی رد کرده و یا در آن تعدیل به وجود می آورند و دوباره به ارگان بالایی می فرستند. اگر ارگان بالایی با تغییر و تعدیل موافق نباشد، در آن صورت تصمیم با توضیحاتی، همانگونه باید اجراء شود.  
- مرعی الاجرا بودن دساتیر کمیته مرکزی در حالات اضطراری.

**ماده چهارم:** اصل گزارش دهی:

- ارگان های پایینی سازمان از طریق کمیته ها گزارش خود را به ارگان های بالاتر می دهند.  
- مسوول اجرایی که مسوولیت بیوروی سیاسی سازمان را نیز به عهده دارد، گزارش کار خود را به بیوروی سیاسی می دهد.  
- بیوروی سیاسی گزارش کار خود را به کمیته مرکزی می دهد.  
- کمیته مرکزی گزارش کار خود را به کنگره و نشست های همگانی ارائه می دارد.

## فصل دوم

### عضویت

**ماده پنجم:** هر هموطن ما که حداقل هفده ساله باشد و برنامه و اساسنامه سازمان را بپذیرد و در یکی از حوزه های سازمانی فعالیت کند، تصامیم سازمانی را به اجراء درآورد، پنهانکاری را رعایت نماید، دساتیر سازمان را آگاهانه بپذیرد و حق العضویت بپردازد، عضو سازمان انقلابی افغانستان محسوب می شود.

**ماده ششم:** وظایف عضو سازمان انقلابی افغانستان قرار ذیل است:

- عضو سازمان باید زندگی اش را وقف انقلاب پرولتری نماید، در راه منافع توده ها مبارزه کند و وظایف سازمانی را فعالانه انجام دهد.
- مارکسیزم - لنینیزم - اندیشه مائوتسه دون را با جدیت و فعالانه مطالعه کرده و به کار بندد.
- از برنامه، اساسنامه، مصوبات و قرارهای تشکیلاتی تبعیت کرده، انضباط سازمانی را رعایت نماید.
- حق العضویت خود را به طور منظم ماهانه بپردازد.
- نوعیت حق العضویت ها قرار ذیل است:

- متعلم و محصل: 20 افغانی

- اعضای که درآمد شان بین 3500 افغانی تا 6000 افغانی باشد، 50 افغانی

- اعضای که درآمد شان بین 6500 افغانی تا 10500 افغانی باشد، 100 افغانی

- اعضای که درآمد شان بین 11000 تا 20000 افغانی باشد، 200 افغانی

- اعضای که درآمد شان بین 21000 تا 30000 افغانی باشد، 350 افغانی

- اعضای که درآمد شان بین 31000 تا 40000 افغانی باشد، 550 افغانی

- اعضای که درآمد شان بالاتر از 41000 افغانی باشد، 1000 افغانی

**ماده هفتم:** عضو سازمان انقلابی افغانستان باید در کار و زندگی سازمانی سرمشق، صادق، درستکار و قاطع باشد؛ در برابر دشمن جسور باشد، در فکر مقام آسوده و کسب شهرت نباشد، از سرکوب و ارباب نهراسد، منافع شخصی را تابع منافع سازمانی نماید، اسرار و اطلاعات درونی سازمان را در هر شرایطی حفظ کند، در انتقاد و انتقاد از خود جسارت داشته باشد، انضباط سازمان را قاطعانه رعایت نماید، اخلاق پرولتری داشته باشد، از توهین و تحقیر زحمتکشان بپرهیزد، از اعتیاد دوری جوید، در حفظ اموال سازمان تلاش ورزد، شجاعانه کمبورها و انحرافات را نشان دهد و در راه رفع آنها کوشش کند. عضو سازمان باید با خودنمایی، تکبر، خودپرستی و ظاهرسازی مبارزه نماید؛ قاطعانه علیه هرگونه نقض دموکراسی درون تشکیلات و آزاد اندیشی و جلوگیری از انتقاد به مبارزه برخیزد؛ در جلب و جذب اعضای جدید تلاش نماید؛ اهداف برنامه و سیاست های سازمان را تبلیغ و ترویج نماید، نسبت به مسئله زن برخورد مارکسیستی داشته باشد و همواره از اصل «سه آری و سه نه» پیروی کند، یعنی مارکسیزم را به کار بندد، نه رویونیوم را؛ وحدت ایجاد کند، نه تفرقه؛ رُک و صریح باشد، نه توطئه گر و دسیسه چین.

**ماده هشتم:** هر عضو سازمان حق دارد:

- با در نظر داشت مفاد ماده سوم در انتخاب ارگان های مشخصی که به انتخاب گذاشته می شوند شرکت کرده از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برخوردار می باشد.
- در باره مسایل، سیاست ها، برنامه و فعالیت های سازمان در کنگره، کنفرانس ها و سایر گردهمایی ها آزادانه بحث کند و نظر خود را آشکارا بیان نماید، از آن دفاع کند و پیشنهاد دهد.
- تصامیمی که پیرامون زندگی سازمانی و فعالیت هایش اتخاذ می گردد، اقتناع شود، به سؤالات اش پاسخ داده شود و به پیشنهادهایش رسیدگی صورت بگیرد.
- از طریق مسوول حوزه از ارگان های بالاتر گزارش منظم پیرامون تصامیم و سیاست های سازمان بخواهد و تا جایی که به پنهانکاری لطمه نزنند، مسوول باید گزارش دهد.

#### **ماده نهم:** پذیرش اعضاء در سازمان انقلابی افغانستان بر اساس ذیل است:

- اعضای جدید از میان کاندیداهای عضویت که دوره تعیین شده آزمایشی را گذرانده باشند، به عضویت پذیرفته می شوند (به استثنای انقلابیونی که فعالیت های کمونیستی آنان برای حداقل دو نفر از اعضای سازمان از لحاظ زمانی معین و مشخص باشد).
- پذیرش عضویت سازمان از صلاحیت های کمیته های محلی است که باید به تأیید بیوروی سیاسی برسد.
- متقاضیان عضویت باید توسط یک تن از اعضای سازمان معرفی شوند.

#### **ماده دهم:** مراحل پذیرش عضویت در سازمان بر اساس ذیل می باشد:

- برای پذیرش عضویت در سازمان انقلابی افغانستان، کاندیداتوری عضویت از مرحله هوادار آغاز می شود.
- هوادار، عضو حوزه تشکیلاتی نیست. هوادار برای دو ماه حداقل با یکی از اعضای سازمان در تماس می باشد و پس از ارزیابی وارد حوزه سازمانی می شود و عضو آزمایشی به حساب می آید.
- عضو آزمایشی از تمامی حقوق عضو جز انتخاب کردن و انتخاب شدن برخوردار است.
- عضو آزمایشی پس از سپری نمودن چهار ماه دوره آزمایشی عضویت سازمان انقلابی افغانستان را به دست آورده می تواند. در صورتی که عضو آزمایشی در این چهار ماه قناعت کمیته مربوطه را فراهم نسازد، عضویت آزمایشی اش برای یکبار دو ماه تمدید می گردد.
- عضو آزمایشی در مدت چهار ماه باید حداقل در هشت حوزه سازمانی حاضر باشد.
- عضو آزمایشی نصف حق العضویت را می پردازد.
- پس از آن که عضو آزمایشی عضو رسمی شد، عضویت او برایش ابلاغ می گردد، و این تعهد را در حوزه خود ابراز می دارد: «من به مثابه عضو صادق سازمان انقلابی افغانستان تعهد می نمایم که برای رهایی کشور از استعمار و نجات توده های تهیدست و زحمتکش از استثمار مبارزه کنم، جانم را در راه پر شکوه انقلاب و زحمتکشان فدا نمایم، اسرار سازمان را چون مردمک چشم عزیز داشته، سازمان را حمایت نموده و تمام توانایی مادی و معنوی ام را در خدمت سازمان و انقلاب قرار دهم.»

#### **ماده یازدهم:** عضویت و کناره گیری از سازمان داوطلبانه است. هر عضو بعد از کناره گیری باید کلیه مسوولیت ها، اسناد و

دارایی سازمان را به حوزه اش تحویل دهد و اسرار سازمان را حفظ نماید.

### **ماده دوازدهم: اقدامات انضباطی:**

- عضوی که سه ماه بدون عذر موجه حق العضویت خود را پرداخت نکرده و در این مدت عملاً تماس خود را با سازمان قطع نموده باشد، حوزه مربوطه در مورد عضویتش تصمیم می گیرد و تصمیم خود را به ارگان بالاتر اعلام می کند.
- در صورت انجام ندادن وظایف مطروحه در اساسنامه و نقض انضباط، اقدامات زیر با دو سوم آرای اعضای حوزه مربوطه انجام می گیرد:
  - اخطار، از سوی مسوول حوزه مربوطه داده می شود.
  - سلب مسوولیت، با رأی دو سوم اعضای حوزه مربوطه رسمیت می یابد.
  - تعلیق عضویت، توسط کمیته مرکزی ابلاغ می گردد. مدت تعلیق حداکثر چهار ماه برای یکبار می باشد که در این مدت عضو حق انتخاب و انتخاب شدن را ندارد، ولی از سایر حقوق اعضاء برخوردار است.
  - اخراج، از اشد مجازات سازمان و از صلاحیت های کمیته مرکزی است.
  - در مورد خطاهای جزئی، وسایل تربیت و تأثیرگذاری به صورت انتقاد و انتقاد از خود و تذکر به کار گرفته می شود.
- هر عضوی که مورد اقدامات انضباطی قرار می گیرد، از زمان ابلاغ در مدت سه ماه حق بازخواست از کمیته خود تا کمیته مرکزی را دارد.

## فصل سوم

### ارگان های مرکزی

**ماده سیزدهم:** عالیترین و بالاترین ارگان سازمان انقلابی افغانستان، کنگره است که هر چهار سال یکبار با شرکت دو سوم نمایندگان رسمیت می یابد.

- کنگره فوق العاده توسط دو سوم آرای کمیته مرکزی فرا خوانده می شود و پس از تصویب آن حداکثر ظرف دو ماه تشکیل می گردد و زمانی رسمیت می یابد که حداقل بیش از نصف اعضای سازمان در آن نماینده داشته باشند.

**ماده چهاردهم:** وظایف اساسی کنگره قرار ذیل است:

- تصویب و تعدیل برنامه، اساسنامه و مشی سازمان

- انتخاب مسوول اجراییوی سازمان

- تعیین تعداد و انتخاب اعضای کمیته مرکزی و تعیین تعداد و انتخاب اعضای علی البدل کمیته مرکزی سازمان.

**ماده پانزدهم:** در فاصله میان دو کنگره، کمیته مرکزی بالاترین مرجع سازمان است که در برابر کنگره بعدی مسوول می باشد.

- کمیته مرکزی از طرف مسوول اجراییوی سازمان رهبری می شود.

- مسوول اجراییوی سازمان هر دو سال یکبار در وسط دو کنگره در جلسه کمیته مرکزی که اعضای علی البدل نیز حضور می داشته باشند (منحیث ناظر) به منظور جلوگیری از استبداد درون تشکیلاتی به رأی گذاشته می شود. در صورتی که دو سوم اعضای کمیته مرکزی کار مسوول اجراییوی را ناقص و مملو از کمبودها ارزیابی کنند، می توانند یک تن از اعضای دیگر کمیته مرکزی را به حیث مسوول اجراییوی سازمان تا زمان برگزاری کنگره انتخاب نمایند. مسوول اجراییوی، کماکان عضو کمیته مرکزی باقی می ماند، مگر اینکه کار او به اندازه ای ناقص و مملو از کمبودها باشد که شایستگی در مرکزیت سازمان را از دست داده باشد. (در این جلسه حداظمی هفت تن از کادرهایی که در کنگره شرکت کرده باشند به حیث ناظر می توانند شرکت کنند).

- در فاصله میان دو جلسه کمیته مرکزی، بیوروی سیاسی بلندترین مرجع تشکیلاتی سازمان است که امور روزمره سازمان را زیر نظارت دارد و جلسه کمیته مرکزی را دعوت می نماید.

- بیوروی سیاسی در مناسبات با احزاب و سازمان های دیگر، سازمان را نمایندگی می کند.

- نشست های کمیته مرکزی هر شش ماه یکبار دایر می گردد، در صورت لزوم و به پیشنهاد دو سوم اعضا، می تواند قبل از موعود معینه دعوت شود.

- کمیته مرکزی با آرای دو سوم می تواند عضو جدید (از میان اعضای علی البدل کمیته مرکزی) را به جای عضو قبلی که بنابر دلایل مختلف از کمیته مرکزی کناره گیری کرده و یا دیگر حضور ندارد، تعیین نماید.

- کمیته مرکزی با آرای دو سوم می تواند یکی از شرکت کنندگان کنگره را به جای یکی از اعضای علی البدل کمیته مرکزی که بنابر دلایلی از مقامش کناره گیری می کند، به حیث عضو علی البدل کمیته مرکزی تعیین نماید.

- دو سوم اعضای کمیته مرکزی می توانند عضو کمیته مرکزی را بنابر دلایلی اخراج نمایند. عضو اخراج شده حق دارد به تصمیم کمیته مرکزی در حضور پنج تن از کادرهای سازمان (سه تن را کمیته مرکزی و دو تن را عضو اخراج شده انتخاب می نمایند) اعتراض کند و از خود دفاع نماید.



**ماده شانزدهم:** کمیته مرکزی به خاطر پیشبرد کارها باید کمیته های ذیل را ایجاد نماید:

- کمیته تشکیلات

- کمیته آموزش

- کمیته مالی

- کمیته فرهنگی و نشراتی

کمیته مرکزی بنابر ضرورت می تواند زیر رهبری خود کمیته های دیگری را نیز ایجاد کند و وظایف مشخصی را به بیوروی سیاسی بسپارد.

پایان

عقرب 1391